صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی و هنری راه روشن
مدیر مسئول: دکتر سید محمد ساداتی نژاد
مدیر روابط عمومی: سید علی ساداتی نژاد
دبیرسیاسی: احسان جعفری فر
خبرنگار: فاطمه بصیرتی
مدیر بازرگانی: شیوا قزوینه
طراح و صفحه آرایی : علی دشتی منفرد ، حمید رضا کلیابی
آدرس: کاشان-بلوار باهنر-کوی شهید متقی- پلاک ٥٤- مجتمع راه روشن
سردبیر: محمد ادریسی
دبیر پژوهشی: مجتبی خندان
دبیر فرهنگی : محمد مهدی سعیدی
امور چاپ: چاپخانه شاخه
روابط عمومی: ۰۹۱۳۹۶۱۸۰۹۸

حدیث روز

امام سجاد علیه السلام :
اللّهُمَّ إنّی أعتَذِرُ إلَیکَ مِن مَظلومٍ ظُلِمَ بِحَضرَتِی فلَم أنصُرهُ، و مِن مَعروفٍ اُسدِیَ إلَیَّ فلَم أشکُرهُ، و مِن مُسیءٍ اعتَذَرَ إلَیَّ فلَم أعذِرهُ .
بار خدایا! من از درگاه تو عذر می‌خواهم اگر در حضور من به ستمدیده‌ای ستم رسیده و من یاریش نرسانده‌ام، و اگر به من نیکی و احسانی شده و من سپاسگزاری نکرده‌ام، و اگر بد کننده‌ای از من پوزش خواسته و من پوزش خواهی او را نپذیرفته‌ام.

وقتی که تو آمدی

بی‌تردید یکی از باشکوه‌ترین لحظات تاریخ، در ماه رجبِ سی سال پس از عام الفیل اتفاق افتاد؛ همان لحظه که در بُهتِ زائران و طواف‌کنندگان خانه‌ی خدا، دیوار کعبه شکافته شد و مادر شما وارد آن مکان مقدس شد و خشت‌های دیوار مجدد به هم پیوست.
ماجرایِ تولد شما را یزید بن قعنب این‌طور تعریف می‌کند که، من و عباس بن عبدالمطلب و گروهی از خاندان عبدالعزی در مقابل خانه‌ی خدا نشسته بودیم که یکباره دیدیم فاطمه بنت اسد، درحالی‌که باردار بود و نُه ماه از مدت حمل او می‌گذشت و دچار درد زایمان شده بود، نزدیک کعبه شد و به درگاه خداوند عرض کرد: پروردگارا! من به تو و پیامبران و کتاب‌هایی که از جانب تو فرستاده شده‌اند ایمان دارم و سخن جدم ابراهیم خلیل را تصدیق می‌کنم و باور دارم که او این خانه‌ی عظیم و والا را بنا کرده و به حق این فرزندی که در شکم دارم سوگند می‌دهم که وضع حمل مرا آسان کنی.
یزید بن قعنب در ادامه‌ی نقل ماجرای تولد شما می‌گوید: در این هنگام دیدم دیوار پشت کعبه شکافت و فاطمه وارد کعبه شده و از چشمان ما ناپدید شد و دیوار مجدداً به هم پیوست.
برخاستیم که قفل در خانه‌ی کعبه را باز کنیم، قفل باز نشد، متوجه شدیم که این اتفاق به فرمان خدا رخ داده است.
پس از چهار روز فاطمه از خانه‌ی کعبه بیرون آمد و درحالی‌که نوزادش را روی دست داشت، گفت: من بر زنان گذشته‌ی تاریخ برتری پیدا کرده‌ام، زیرا آسیه دختر مزاحم، خدا را به صورت پنهانی در جایی عبادت می‌کرد که عبادت خدا در آنجا جز از روی ناچاری سزاوار نبود و مریم دختر عمران آن شاخه‌ی خشکیده‌ی خرما را با دستش تکان داد تا آنکه خرمایی تازه از آن فرو ریخت و خورد؛ ولی من وارد خانه‌ی خدا شدم و از میوه‌ها و نعمت‌های بهشتی خوردم و وقتی خواستم خارج شوم هاتفی به من گفت: فاطمه! او را علی نام بگذار، چرا که او بلند مرتبه است و خداوند علی اعلی می‌گوید: نام او را از نام خودم مشتق ساختم. او را به آداب و اخلاق خودم تربیت کردم و از علوم پیچیده خود آگاهش نمودم او کسی است که بت‌ها را در خانه‌ی من می‌شکند و بر بام خانه‌ام اذان می‌گوید و من را به مجد و بزرگواری یاد می‌کند. خوشا به حال کسی که او را دوست بدارد و از او فرمان برد و وای بر کسی که او را دشمن بدارد و فرمانش نبرد.*
اما از اینجای لحظه‌ی باشکوه تولد شما را دوست دارم من روایت کنم.
اهل مکه در کوچه و بازار ماجرای تولد شما را نقل می‌کردند.
زن‌ها از عظمت ولادت شما و از شکوه تولدتان در تعجب بودند.
خیلی‌ها به کعبه می‌رفتن تا از نزدیک جای شکاف را ببینند.
از همه خوشحال‌تر اما پدر شما بود، که شکوه تولدتان قریشیان بدطینت را هم، در حیرت فرو برده بود و پدر شما جناب ابوطالب، بزرگ هاشمیان، این بُهت و حیرت را در چشمان آن‌ها می‌دیدید و بیشتر از قبل به بزرگی خدا ایمان آورده بود.
و چه افتخاری بالاتر از اینکه نام فرزندش را هاتفی از طرف خدا ندا داده باشد.
دوست دارم تصور کنم که ابوطالب طَبقِ شیرینی به دست در کوچه‌های مکه تولد شما را به گوش تمام آن‌هایی که خودشان را به نشنیدن زده بودن می‌رساند.
مگر می‌شود چنین شکوهی را فریاد نکرد.
خواهران و برادران شما هم دور گهواره‌ی شما جمع شده بودن و کودکی را نگاه می‌کردند که در کعبه متولد شده است.
کودکی نورانی که از همان لحظه‌ی تولدش به همه ثابت کرده بود که علی‌ست
و با همه تفاوت دارد.
خانم‌های همسایه رو به روی مادرتان نشسته بودن و چهره‌ی پر از آرامش مادرتان را نگاه می‌کردند و دوست داشتن درباره‌ی این چهار روز از او سؤال کنند.
همه کنجکاو بودن بدانند در آن چهار روز در کعبه چه گذشت.
یک روز چقدر توصیفات دارد
کجای مکه را در آن روز توصیف کنم
از کجای مکه بگویم که حق مطلب ادا شود
چند کلمه‌ی دیگر اضافه کنم تا توصیف ولادت شما و شکوه میلادتان کامل شود.
این کلمات عاجزند
و قلم عاجزتر
خوش آمدید به دنیا مرد فاطمه
بابای حسن، حسین و زینب

زهرا کبیری پور

تنزل رتبه علمی ایران و «مهاجرت و کمبود بودجه» مانع مرجعیت علمی

ایران در زمان حاضر از جایگاه اول منطقه در تولید مقالات علمی فاصله گرفته است و رتبه جهانی کشور از ۱۵ به ۱۷ تنزل یافته است؛ کارشناسان می‌گویند این افت جایگاه علمی عمدتاً به‌دلیل مهاجرت نخبگان و کمبود سرمایه‌گذاری در حوزه پژوهش بوده است.

دستیابی به مرجعیت علمی، در بیانات مقام معظم رهبری، اسناد بالادستی و قوانین توسعه کشور، به‌شکل‌های مختلف مورد تأکید قرار گرفته است.
با وجود این، ایران در زمان حاضر دیگر به‌عنوان کشور اول منطقه در تعداد مقالات علمی و استنادات شناخته نمی‌شود. طبق آخرین آمار معاونت تحقیقات وزارت بهداشت، رتبه جهانی تولید علم کشور از جایگاه ۱۵ به ۱۷ تنزل یافته است، این در حالی است که در گذشته ایران در استنادات علمی، رتبه ۱۴ جهان را در اختیار داشت.
براساس برنامه هفتم توسعه، ایران باید به رتبه ۱۴ تولید علم در جهان و رتبه اول در منطقه برسد. یکی از مهم‌ترین ارکان دستیابی به این اهداف، آموزش و پرورش پژوهشگران حرفه‌ای است. برای اینکه پژوهشگران ایرانی بتوانند در سطح جهانی به رقابت بپردازند، باید زمینه‌های لازم برای دسترسی به جدیدترین منابع پژوهشی فراهم شود، از سوی دیگر، ایجاد و تقویت قطب‌های پژوهشی در دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی پزشکی و سلامت، همچنین حمایت از پارک‌های علم و فناوری، باید از دیگر اولویت‌های وزارت بهداشت برای تسریع در این فرآیند باشد.
رسیدن به این اهداف و مرجعیت علمی در منطقه، مستلزم اقدامات اساسی در زمینه نوسازی، بازسازی و تجهیز زیرساخت‌های پژوهشی و جذب و نگهداری نیروهای انسانی است اما یکی از چالش‌های اساسی در این زمینه، مهاجرت نیروهای انسانی نخبه از کشور است.

افزایش مهاجرت نخبگان باعث کاهش تولیدات علمی!

در این راستا، علیرضا زالی در گفت‌وگو با خبرنگار اجتماعی خبرگزاری تسنیم با اشاره به کاهش میزان تولید مقالات علمی به‌دلیل مهاجرت نیروهای انسانی اظهار کرد: آمار خیلی دقیقی از میزان مهاجرت نیروهای انسانی در حوزه علوم پزشکی در دسترس نیست زیرا برخی از مهاجرت‌ها ممکن است در قالب‌هایی مثل فرصت‌های مطالعاتی یا مرخصی صورت گیرد اما به‌طورکلی می‌توان گفت که در سال‌های اخیر سیل مهاجرت نخبگان جوان از کشور افزایش یافته است و به‌خصوص در حوزه پزشکی شاهد افزایش شتاب مهاجرت هستیم و طبیعتاً باید برنامه‌ریزی مفصلی برای نگهداشت نیروی انسانی، جذب نخبگان و ماندگاری آن‌ها در کشور انجام شود.
وی اضافه کرد: میزان تولید مقالات علمی به‌دلیل مهاجرت نخبگان کاهش یافته است، با وجود این، افت مقالات تنها مربوط به مهاجرت نیست.

سرمایه‌گذاری اندک ایران در حوزه پژوهش طی سال‌های گذشته

زالی ادامه داد: یکی از عوامل بسیار مؤثر در این امر، میزان سرمایه‌گذاری اندکی است که در حوزه پژوهش در سال‌های اخیر انجام شده است. میزان بودجه‌ای که ما در کشور برای پژوهش اختصاص می‌دهیم، رقم بسیار ناچیزی از درآمد ناخالص داخلی است و برای رقابت در سطح جهانی، عدد بسیار پایینی به‌شمار می‌آید بنابراین شاید یکی از علل اصلی این وضعیت، حرکت نازل ما در حوزه پژوهش، به‌ویژه در بخش دانشگاهی، باشد.
وی گفت: مراکز تحقیقاتی ما در شرایط مناسب بودجه‌ای به‌سر نمی‌برند و به‌دلیل گرانی تجهیزات و امکانات، زمینه‌های تحقیقاتی نوین برای محققین فراهم نیست، به‌عنوان مثال، یک دانشجوی دکترا که می‌خواهد تحقیق کند، با چالش‌های مالی روبه‌روست و هیچ پشتیبانی مالی نیز در این زمینه وجود ندارد. سهم ناچیز بودجه پژوهشی از درآمد ناخالص داخلی رئیس دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی با بیان اینکه نخستین قدم برای اصلاح وضعیت مقالات، اصلاح سهم بودجه‌ای کشور در حوزه پژوهش است، متذکر شد: در زمان حاضر این عدد به حدود ۰,۳ درصد از درآمد ناخالص داخلی رسیده است، این در حالی است که طبق برنامه‌های توسعه، سهم بودجه پژوهشی کشور از درآمد ناخالص داخلی تا پایان سال ۱۴۰۴ باید به ۴ درصد برسد که نشان‌دهنده فاصله عمیق ما با این هدف است و بعید به‌نظر می‌رسد که بودجه سال آینده نیز در اصلاح این فرایند کمک کند ضمن اینکه بخش زیادی از بودجه‌های تخصیص‌یافته به حوزه پژوهش در کشور، اساساً در راستای پروژه‌های دانشگاهی قرار نمی‌گیرد و در مسیرهایی هزینه می‌شود که لزوماً منجر به تحقیقات اصیل آکادمیک نمی‌شود.

اکثر دانشگاه‌ها بودجه پژوهش را جای دیگر خرج می‌کنند

آخوندزاده، معاون تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت نیز در رابطه با کمبود بودجه‌های پژوهشی می‌گوید: اکثر دانشگاه‌ها به‌دلیل مشکلاتی که داشته‌اند بودجه یک درصد پژوهش را در محل‌های دیگری هزینه کرده‌اند! پایان‌نامه‌ها و طرح‌های تحقیقاتی باید بتوانند از بودجه‌های آموزشی نیز استفاده کنند وگرنه تبدیل به طرح‌های تحقیقاتی کوچک خواهند شد.
وی درباره راهکار هدفمندشدن هزینه‌کرد بودجه پژوهشی می‌افزاید: از سال آینده، مسئله هزینه‌کرد بودجه‌های پژوهشی، در ارزشیابی علمی دانشگاه‌ها به‌عنوان یک آیتم مهم، لحاظ خواهد شد.
به‌گفته وی، برای رسیدن به اهداف پیش‌بینی‌شده در برنامه هفتم توسعه، ضروری است که علاوه بر ارتقاء بودجه پژوهشی، سیاست‌های مؤثری برای جذب و نگهداشت نخبگان به‌ویژه در حوزه علوم پزشکی اتخاذ شود.

چرا اشک برای گربه‌های آمریکا و سکوت برای کودکان غزه؟

واکنش تریبون‌های غربی-آمریکایی و وابستگان آنها به مشکلات قربانیان آتش‌سوزی لس‌آنجلس، بار دیگر معیارهای دوگانه انسانی آنها را فاش می‌کند؛ جایی که این طرف‌ها برای حیوانات خانگیِ ترسیده از آتش اشک می‌ریزند، اما کلمه‌ای از رنج کودکان غزه حرف نزدند!

از زمان آغاز آتش‌سوزی‌ها در آمریکا و کمپین گسترده‌ای که توسط رسانه‌های این کشور و سایر رسانه‌های غربی و حتی رسانه‌های منطقه‌ای برای حمایت از قربانیان آتش سوزی در لس آنجلس به راه افتاده و میزان همدردی و ابراز انسانیت آنها در برابر حیوانات خانگیِ ساکنان این مناطق که از آتش می‌ترسند، بار دیگر دوگانگی ارزش‌های انسانی در غرب و آمریکا و حامیان آنها در دیگر نقاط جهان را فاش کرد.

گربه‌های لس‌آنجلس مهمتر از کودکان غزه!

طبیعتاً صحنه ترسیدن حیوانات خانگی همچون گربه از آتش، برای هر انسانی ناراحت کننده است؛ اما آیا واقعاً این صحنه، از تصاویر وحشتناکی که هر شبانه روز در غزه می‌بینیم، همچون صحنه‌های تکه تکه شدن کودکان، زنده زنده سوختن آنها در آتش، مرگ نوزادان و کودکان بر اثر گرسنگی و یخ زدن و هزاران تصویر غیر انسانی دیگر دردناک‌تر است؟
رسانه‌ها و همه کسانی که اکنون به دنبال جلب ترحم برای ساکنان لس آنجلس و حیوانات خانگی آنها هستند و سکوهای رسانه‌ای غرب و آمریکا و همه تریبون‌های وابسته به آنها در شبکه‌های اجتماعی که با انتشار تصاویر آتش‌سوزی لس آنجلس و آمریکا از مردم جهان می‌خواهند با آمریکایی‌ها همدردی کنند و دم از عشق و دوستی میان انسان‌ها می‌زنند، چرا یک کلمه در همدردی با مردم و کودکان غزه حرفی نزدند؛ مردمی که با بمب‌های آمریکا هر روز قتل عام می‌شوند و مرگ و تکه تکه شدن فرزندانشان را جلوی چشمانشان می‌بینند.
حامیان حقوق حیوانات در برابر رنج انسان‌های غزه لال شده‌اند!
تصاویر و ویدیوهایی که در این رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی وابسته به آنها می‌بینیم، نشان دهنده میزان اهمیتی است که به حیوانات خانگی می‌دهند. قطعاً همانطور که اشاره شد هر انسانی نسبت به هر موجود زنده‌ای که در حال رنج کشیدن باشد احساس همدردی و دلسوزی دارد. اما این رسانه‌ها و تریبون‌های آنها همان طرف‌هایی هستند که هیچ عکس، ویدیو و حتی خبری درباره رنج غیرنظامیان بی دفاع که از ۱۵ ماه گذشته تاکنون در میان یک نسل کشی بی‌سابقه قرار گرفته‌اند و حتی غذا و دارو هم پیدا نمی‌کنند، منتشر نکردند.
این رفتار رسانه‌های مذکور، همه احساسات انسانی آنها نسبت به حیوانات خانگی در لس آنجلس را زیر سوال می‌برد و سوال بزرگی که به وجود می‌آید این است که اگر آنها واقعاً دغدغه انسانیت دارند، آیا ارزش جان کودکان غزه از حیوانات خانگی آمریکا کمتر است؟
مطبوعات آمریکایی بعد از آتش سوزی در لس آنجلس درباره بحرانی به نام بحران حیوانات حرف می‌زنند و از ابعاد وحشتناک آن می‌گویند، بدون اینکه تاکنون حرفی از بحران انسانی در غزه زده باشند.
ما در اینجا شاهد یک تناقض و دوگانگی بزرگ ارزش‌ها در آمریکا، غرب و همه حامیان آنها هستیم.
طی روزهای اخیر بولتون‌های خبری کانال‌های رسانه‌ای بزرگ جهان و همچنین صفحات روزنامه‌ها و سایت‌های معتبر، پر از تصاویر و فیلم‌هایی است که داستان حیوانات خانگی ساکنان لس آنجلس را منتشر می‌کنند و صحنه‌های احساسی از پیدا شدن این حیوانات و به آغوش کشیده شدن آنها توسط صاحبانشان نشر می‌دهند.
این رسانه‌ها بخش بزرگی از مطالب روزانه خود را به بحران حیوانات در آمریکا بعد از آتش سوزی اختصاص داده‌اند و عکاسان زیادی برای گرفتن تصویر حیوانات در آتش استخدام شده‌اند. همچنین برای بیش از ۱۵۰۰ حیوان از انواع مختلف به ویژه گربه و سگ و همچنین اسب، خوک، خرگوش، مرغ، اردک، مار، لاک پشت و نیز حیوانات وحشی، سرپناه‌های مناسبی تهیه شده است. رسانه‌ها نیز به شکل مرتب وضعیت این حیوانات را پیگیری می‌کنند و اخیراً تصویر سگ سفیدی به نام «روکسی» در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده که در توضیحات آن نوشته شده است: «روکسی در حال حاضر در بخش مراقبت‌های ویژه پناهگاه به دلیل سوختگی تحت درمان است».
همچنین گزارش‌های دیگری درباره حیوانات خانگی که گم شده‌اند منتشر می‌شود، مانند گربه کوچکی به نام «هوکو» که صاحب آن در شبکه‌های اجتماعی به شکل دائمی از غم دوری گربه‌اش حرف می‌زند و کمپین‌های زیادی برای پیدا کردن این گربه به راه افتاده و همه دعا می‌کنند که هوکو به سلامت پیدا شود.
در همین راستا فراخوان‌هایی نیز برای کمک به حیوانات آسیب دیده در آتش‌سوزی لس آنجلس در رسانه‌های اجتماعی منتشر شده و سازمان‌های حمایت از حیوانات نیز فعالیت‌های گسترده‌ای به این منظور انجام می‌دهند. ده‌ها داوطلب هم اعلام آمادگی برای کمک به حیوانات کرده‌اند. تعدادی از پناهگاه‌های حیوانات در آمریکا هم درهای خود را به روی حیواناتی که از آتش لس آنجلس فرار کرده‌اند، باز گذاشته‌اند و تاکید کردند: «در این زمان ترسناک و غم انگیز، قلب و ذهن ما با لس آنجلس، مردم آن و حیوانات است».

هلال احمر نجات دهنده ایران: کمک می‌خواهید؟! آتش گرفته و نجات شونده آمریکا: پول بده!

در پی آتش‌سوزی‌های گسترده در کالیفرنیا، فرماندار این ایالت اعلام کرد که وضعیت از کنترل خارج شده است. در این میان، طنز ماجرا و گزینه مذاکره با ایران به شکل جالبی مطرح شده است.

واکنش ایران به بحران

یک مقام ایرانی با اشاره به آمادگی برای ارسال کمک به آمریکا، به شوخی گفت: «امیدوارم ایران مانند گذشته، آشغال نفرستد و طلا بفرستد.» این اظهار نظر نشان‌دهنده نگاه انتقادی به وضعیت کنونی و تمایل به همکاری در شرایط بحرانی است.

وضعیت کنونی ایران

ایران در حال حاضر به عنوان یک کشور در حال توسعه شناخته می‌شود و در این شرایط، به دنبال یافتن راه‌حل‌هایی برای مشکلات داخلی و خارجی خود است. به گفته برخی تحلیلگران، این آتش‌سوزی می‌تواند بهانه‌ای برای مذاکرات جدید باشد.
آتش‌سوزی‌هایی که به مراکز اجتماعی و رسانه‌ای نزدیک شده‌اند، نگرانی‌هایی را برای طرفداران رفع فیلتر اینترنت در ایران به وجود آورده است. این افراد نگرانند که فرصت‌های سیاسی و اجتماعی از دست بروند.
در این راستا، برخی کارشناسان پیشنهاد می‌کنند که رئیس‌جمهور آمریکا هر چه سریع‌تر به مذاکره با ایران بپردازد. به اعتقاد آنها، در مذاکرات بین دو رئیس‌جمهور، تخصص و تجربه می‌تواند تعیین‌کننده باشد.
ایران باید از برخی اقدامات خود مانند حمایت از ونزوئلا و ارسال پهپادها به آمریکا دست بردارد.
همچنین، به نظر می‌رسد که ایران باید در زمینه دعا و شعارهای خود تجدید نظر کند و به جای آن، به دنبال راه‌حل‌های عملی باشد.
با توجه به وضعیت کنونی و آتش‌سوزی‌های اخیر، به نظر می‌رسد که فرصتی برای مذاکره با ایران فراهم شده است. این مذاکرات می‌تواند به بهبود روابط و کاهش تنش‌ها کمک کند. در این میان، نیاز به گفتگوهای شرافتمندانه و عملی احساس می‌شود تا از بحران‌های بیشتر جلوگیری شود. آتش‌سوزی‌های گسترده در کالیفرنیا نه تنها به آسیب‌های جانی و مالی منجر شده‌اند، بلکه توجه جهانی را به خود جلب کرده‌اند. این بحران طبیعی، چالش‌های جدی را برای دولت ایالت و مقامات محلی ایجاد کرده است. در حالی که فرماندار کالیفرنیا وضعیت را از کنترل خارج اعلام کرده است، نگرانی‌ها درباره تبعات زیست‌محیطی و بهداشتی این آتش‌سوزی‌ها افزایش یافته است.
در این شرایط، همبستگی و همکاری بین‌المللی می‌تواند نقش مهمی در مدیریت بحران ایفا کند. در میان این بحران، طنزهای سیاسی نیز به چشم می‌خورد. اظهار نظر مقام ایرانی درباره ارسال کمک به آمریکا، با لحنی شوخی‌آمیز، به واقعیت‌هایی اشاره دارد که نشان‌دهنده نگاه انتقادی به وضعیت کنونی است. این نوع واکنش‌ها نه تنها به نوعی بازتاب‌دهنده شرایط موجود هستند، بلکه می‌توانند به عنوان یک فرصت برای شروع گفتگوهای جدید بین دو کشور تلقی شوند. در واقع، در چنین بحران‌هایی، طنز و شوخی می‌تواند به عنوان یک ابزار برای کاهش تنش‌ها و ایجاد فضای مثبت برای مذاکرات عمل کند.ایران به عنوان یک کشور در حال توسعه با چالش‌های متعددی روبروست. این کشور در تلاش است تا از بحران‌های اقتصادی و اجتماعی عبور کند و به دنبال یافتن راه‌حل‌هایی برای مشکلات داخلی و خارجی خود باشد. آتش‌سوزی‌های کالیفرنیا می‌توانند به عنوان یک فرصت برای ایران مطرح شوند تا در مذاکرات بین‌المللی، مواضع خود را تقویت کند. در این راستا، توجه به نیازهای داخلی و حمایت از جامعه مدنی می‌تواند به بهبود وضعیت کشور کمک کند.
آتش‌سوزی‌ها نه تنها به وضعیت داخلی کالیفرنیا آسیب می‌زنند، بلکه می‌توانند تأثیرات عمیقی بر روابط بین‌المللی نیز داشته باشند. نگرانی‌ها درباره تأثیرات زیست‌محیطی و اجتماعی این بحران، می‌تواند به عنوان یک نقطه شروع برای مذاکرات جدید بین ایران و آمریکا مطرح شود. این فرصت می‌تواند به دو کشور کمک کند تا در زمینه‌های مختلف از جمله تغییرات اقلیمی، همکاری‌های اقتصادی و امنیتی، به تفاهم برسند.
برای ایجاد یک فضای مثبت برای مذاکره، نیاز به گفتگوی شرافتمندانه و عملی احساس می‌شود. ایران باید از برخی اقدامات خود دست بردارد و به جای شعارهای پوچ، به دنبال راه‌حل‌های عملی باشد. همچنین، ایالات متحده نیز باید به این نکته توجه کند که در مذاکرات، تخصص و تجربه می‌تواند تعیین‌کننده باشد. در نهایت، این مذاکرات می‌تواند به کاهش تنش‌ها و بهبود روابط بین دو کشور کمک کند و فرصتی برای ایجاد آینده‌ای بهتر فراهم آورد.

احمدحسین شریفی

یادداشت

درباره علی علیه السلام

تاریخ به خود ندیده است رهبر و حکمرانی که تمام عوامل ثروت و رفاه در کف دستش باشد و بر همه ذخائر و بیت‌المال مملکت تسلط داشته باشد و خود هرگز در فکر لذت بردن از لذائذ مباح دنیا نباشد. این چه قدرتی است که شخص با آن همه امکانات بر خود حرام کند که از نان خشکی سیر شود مادام که در گوشه و کنار مملکتش بینوایی گرسنه وجود داشته باشد و بر خود حرام کند که لباس گرمی در بر نماند که احتمال دهد در دورترین نقطه از جهان مستمندی پیراهن کهنه‌ای بر تن پوشیده است.
کدام حاکم را سراغ دارید که اموال بیت‌المال زیر دستش رد و بدل شود و خود از دنیا یک درهم یا یک دینار اندوخته نداشته باشد؟ کدام رهبر قاطع در دنیا دیده می‌شود که به نمایندگانش بنویسد به خدا سوگند می‌خورم اگر به آنچه زیر سرپرستی توست چه کم و چه زیاد خیانت کنی، چنان فشاری بر تو آورم که بر احدی نیاورده باشم و حتی آن‌گه که حاکم نبود به یکی از رشوه‌خواران و زالوصفتانی که با پول و دارایی مستضعفین می‌خواست خود را ثروتمند کند بفرماید؛ از خدا بترس و اموال این قوم را به خودشان برگردان که اگر این کار نکردی و خداوند مرا بر تو قدرت داد، با این شمشیرم چنان بر سر تو فرود آورم که هیچ‌کس را با آن نزده‌ام، جز این‌که به جهنم رفته باشد.
آری حضرت علی(علیه السلام)، از دنیا چیزی نمی‌خواست جز این‌که بتواند رنج مظلومی را دریابد و قلب مصیبت دیده‌ای را تسکین دهد و عدالتی را برقرار کند و ظالمی را به کیفر رساند. ما که پیروان حضرت علی(علیه السلام) هستیم با این‌که خود را جزء پیروان و محبان او می‌دانیم باید تلاش کنیم که در راهش گام برداریم و اهداف وآلایش را دنبال کنیم و هرچند محال است در عمل مانند او زندگی کنیم که خود نیز فرمود: من از دنیای شما بسنده کردم به دو لباس کهنه و از طعامش به دو قرص نان و شما نمی‌توانید مانند من باشید ولی با ورع و پارسایی و تلاش همراهیم کنید.

غلامرضا رضایی تربقان

یادداشت

«اعتکاف»، «معنویت انقلابی» و علوم انسانی

اعتکاف وقوفی دست‌کم سه‌روزه در خانه خدا و به یاد خدا است.
اعتکاف نوعی خلوت میان خود و خدا است؛ برای بازخوانی و مواظبت از داشته‌های بی‌بدیلی که ممکن است در زندگی روزمره مورد غفلت واقع شده باشند؛
اعتکاف هرگز به معنای عزلت و دوری از جامعه نیست؛ چرا که باید در «مساجد بزرگ و جامع» انجام گیرد.
اعتکاف نوعی وقوف و اقامت و ایستادن و نَفَس‌گیری برای شرکت در مسابقه خدمت و تعالی است؛
اعتکاف نوعی محبوس کردن خود است؛ محبوس کردن در مکانی مقدس و البته مملو از جمعیت‌های ایمانی!
اعتکاف نوعی اقبال و روی‌آوری است؛ اقبال به خوبی‌ها و روی‌آوری به فضیلت‌ها؛
اعتکاف تمرینی برای مقاومت در همه عرصه‌های زندگی است؛
اعتکاف نوعی ایستادگی است؛ ایستادگی در برابر خواهش‌های نفسانی و اغوائات شیطانی؛ ایستادگی بر سر آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی؛
اعتکاف عین سیاست و مدیریت است؛
اعتکاف تمرینی برای سبک زندگی معنوی در جامعه ایمانی است.
بر اساس آمار اعلامی از سوی ستاد کشوری اعتکاف، جمعیت حداکثر ۳۰۰ نفری معتکفین در پیش از انقلاب، هم‌اکنون در سال ۱۴۰۳ به بیش از یک میلیون نفر رسیده است! و افزون بر آن، به برکت انقلاب اسلامی، هم‌اکنون در ۱۱۰ کشور دنیا نیز مراسم اعتکاف برگزار می‌شود!
بر اساس آمار اعلامی از سوی ستاد کشوری اعتکاف در سال گذشته ۴۵۰ هزار نفر از جمعیت یک میلیونی معتکفین را دانش‌آموزان دهه هشتادی تشکیل می‌دادند! و در مجموع ۸۰درصد معتکفین، جوانان زیر ۳۰ سال بودند.
با این همه، کمافی السابق، متخصصان علوم انسانی غربزده در کشور ما، که در همه‌ی صحنه‌های سیاه‌نمایی علیه ایران و انقلاب اسلامی حضوری چشم‌گیر دارند! از کنار این جریان معنوی بی‌سابقه و بی‌نظیر در تاریخ بشر، صمٌ بکمٌ عبور می‌کنند! فقط کافی است که نوجوانی در گوشه‌ای از روستایی دورافتاده آن هم تحت القائات احزاب شیطانی، سخنی علیه اسلام و انقلاب بگوید، آنگاه خواهید دید که هم جماعت صمٌ بکم چگونه زبان می‌گشایند و چه تحلیل‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی و فرهنگ‌شناختی مشعشعی درباره آن ارائه می‌دهند!
بارها گفته‌ام که در کنار همه حقارت‌ها و خودکم‌بینی‌ها و ذلت‌های درونی چنین افرادی، عامل اصلی این وضعیت همان «ذات مسموم» علوم انسانی غربی است که به رگ و ریشه این افراد نفوذ کرده است؛ علومی که نه تنها نسبت و تناسبی با فرهنگ و ارزش‌های متعالی انسانی و اسلامی ندارند؛ که اساساً هدفی جز «حیوانی‌سازی انسان» ندارند. طبیعی است که دلدادگان این علوم عقلانیت لازم جهت فهم حقایق معنوی بزرگی مثل اعتکاف و اربعین و امثال آن را نداشته باشند.

احمدحسین شریفی